



جنگ روانی علیه غنی سازی
تبلیغات رسانه‌ای غرب علیه مذاکرات



مکرون در شرق آسیا
نگرانی چین از تور رئیس‌جمهور فرانسه



فیلم سازی در ۹۵ سالگی
درباره کلیت ایستود



یادداشت روز

تصاعد هندسی

حل بحران‌های کشور را نباید عقب انداخت؛ باید هرچه زودتر آنها را حل و مهار کرد

یاسر هاشمی

فعال سیاسی



وقتی یک صبح معمولی در ایران آغاز می‌شود، مردم با نگرانی قیمت دلار را دنبال می‌کنند تا ببینند دیشب که خواب بودند، چقدر فقیرتر شده‌اند و پول ملی باز هم چقدر بی‌ارزش‌تر شده است! براساس گزارش‌های رسمی، ریال ایران در سال ۱۴۰۴ شمسی به پایین‌ترین ارزش تاریخی خود سقوط کرده است (حدود ۸۰۰ هزار ریال در برابر یک دلار) که نسبت به دو دهه پیش، ۸ هزار درصد ضعیف‌تر و کم‌ارزش‌تر شده است. مردم اثرهای این سقوط آزاد را در سفره‌های خویش می‌بینند چراکه افزایش سرسام‌آور قیمت مواد غذایی، سفره خانواده‌ها را کوچک و کوچک‌تر کرده است؛ مردمی که گوش آنها در ۲۰ سال اخیر به اخبار مذاکرات هسته‌ای عادت کرده است. نزدیک به دو دهه از آغاز گفت‌وگوهای اتمی ایران با قدرت‌های جهانی می‌گذرد و هنوز هم هرچند وقت یک‌بار، شهری تازه میزبان دور جدیدی از این مذاکرات بی‌حاصل می‌شود. جوانی ۲۰ ساله که امروز در ایران زندگی می‌کند از کودکی شاهد «مذاکره برای مذاکره» بوده و نسل او، مزه‌ای جز تحریم و بلا تکلیفی نچشیده است.

فضای عمومی جامعه سرشار از حس ناامیدی و بی‌اعتمادی است. مردم می‌بینند پس از ۲۰ سال مذاکره هسته‌ای، هنوز گره‌ای باز نشده و تحریم‌ها ادامه دارد. در روزگار دولت مهرورزی، کشور فصل هفتم منشور سازمان ملل را درک کرد و توافق موقت ۲۰۱۵ (برجام) کورسوی امید بود که با خروج آمریکا در ۲۰۱۸ به یاس تبدیل شد. دولت «ابراهیم رئیسی» در سه سال چندین دور مذاکرات انجام داد اما نه‌تنها برجام احیا نشد بلکه همه گفت‌وگوها در بن‌بست توافقات به پایان رسید. اینک پس از دو دهه کشمکش، زندگی روزمره ایرانیان در برزخی سپری می‌شود که نه جنگ دارد نه صلح؛ حکایت مذاکرات نافرجام و فشار روزافزون تحریم‌ها به بخشی از خاطرات جمعی ملت تبدیل شده و مجموعه بحران‌های اقتصادی و سیاسی ایران در حال رشد به شکل تصاعد هندسی است؛ تصاعد هندسی بحران‌ها یعنی هر بحران جدی بر شدت و ابعاد بحران‌های قبلی می‌افزاید و وضعیت را به‌گونه فزاینده‌ای وخیم‌تر می‌کند.

در ریاضیات، تصاعد هندسی به دنباله‌ای گفته می‌شود که هر جمله نسبت به جمله قبل با یک ضریب ثابت ضربی رشد می‌کند (برای مثال: ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۶ و...). اگرچه این مفهوم ساده به‌نظر می‌رسد اما در عرصه اجتماعی و سیاسی می‌تواند به‌کلی خطرناک ظاهر شود؛ وقتی مشکلات نه به‌صورت خطی بلکه به‌شکل تصاعدی (چندبرابر شوند) افزایش یابند، ابتدا مشکلات آهسته رشد می‌کنند اما پس از چند مرحله شتاب می‌گیرند و در زمانی کوتاه، ممکن است یک کشور را به آستانه خطرناکی برسانند. برای درک بهتر این پدیده، کافی است تاریخ سقوط شوروی را مرور کنیم که چگونه ترکیب بحران‌های گوناگون به‌صورت انفجاری، پایان یک ابرقدرت را رقم زد!

اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۸۰ میلادی، مجموعه‌ای از مشکلات حل‌نشده را بر دوش می‌کشید که رکود اقتصادی، مهم‌ترین آن‌ها بود؛ اقتصاد متمرکز و دستوری شوروی، ناکارآمد شده بود و عرضه کالاها از تقاضا عقب می‌ماند. مردم شوروی عموماً فقیر نبودند اما برای تامین کالا‌های اساسی در صف‌های طولانی می‌ایستادند و بیشتر کالاها کمیاب بودند. در عین حال، دولت شوروی هزینه‌های کمرشکنی را متحمل می‌شد؛ از مسابقه تسلیحاتی و برنامه فضایی پرهزینه گرفته تا جنگ فرسایشی در افغانستان. اتکا به صادرات نفت و گاز برای تامین این مخارج نیز با سقوط قیمت نفت در اوایل دهه ۱۹۸۰ به بحران انجامید و ضربه سختی به اقتصاد بیمار شوروی وارد کرد.

| ادامه در صفحه ۲

اعتراض **نرگس آبیار**، کارگردان «سووشون»
به توقیف این سریال توسط ساترا و فیلترینگ پلتفرم نماوا:

از سکوت خسته‌ام

گلاویز نادری

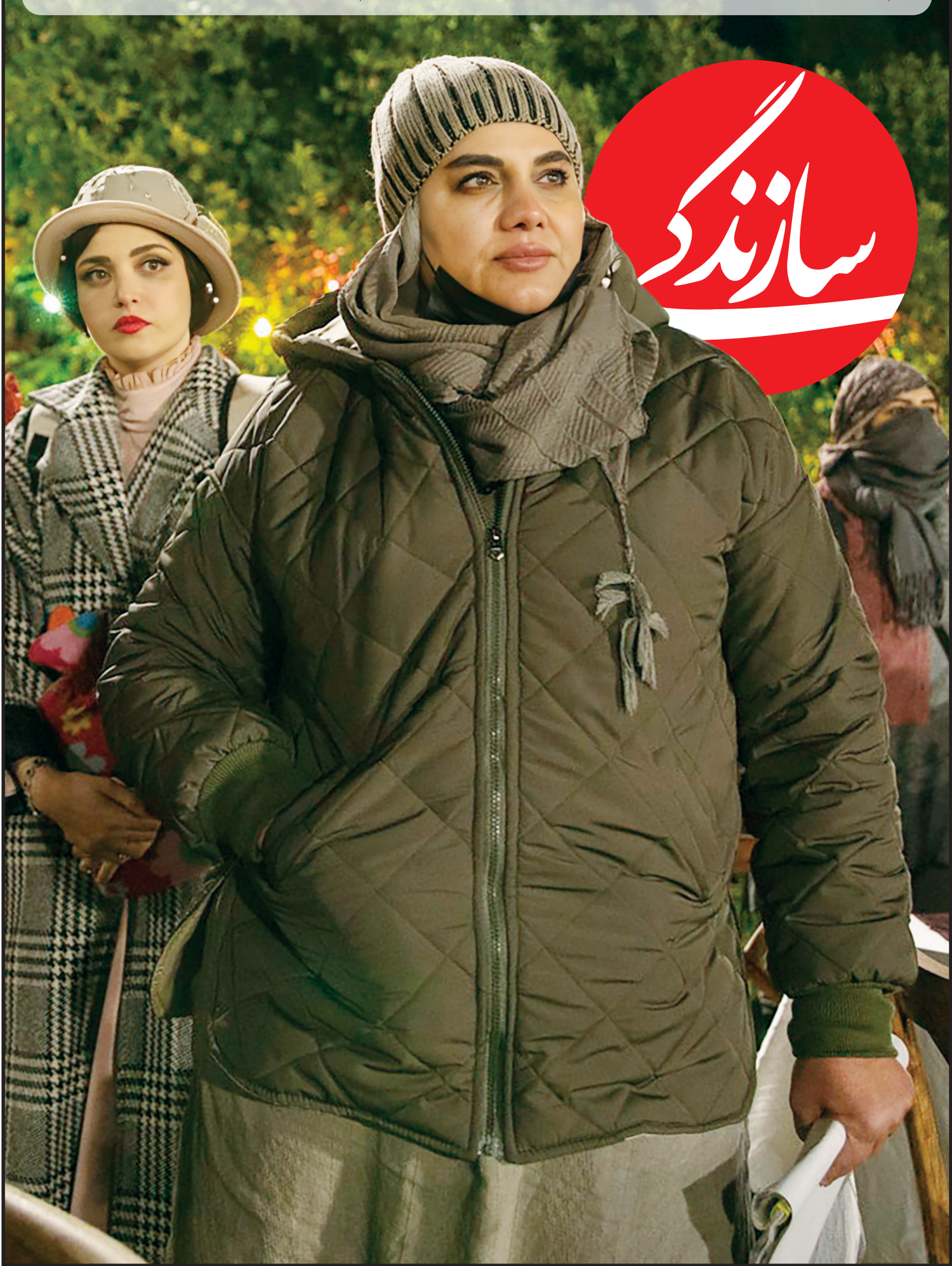
گروه سینما
تنان و تلویزیون

بعد از ظهر جمعه بود که پلتفرم «نماوا» از دسترس خارج شد. کاربران این پلتفرم که می‌خواستند، عصر جمعه

خود را با تماشای یکی از محصولات نماوا سپری کنند، بی‌خبر از همه‌جا ناگهان با مسدودیت آن مواجه شدند. ابتدا، اطلاعی از دلیل بسته شدن این پلتفرم وجود نداشت؛ تنها سازندگان «سووشون» می‌دانستند چه بر سر

نماوا آمده است تا اینکه خبرش همه جا پیچید. صبح جمعه، ساعتی پس از اینکه اولین قسمت سریال «سووشون» روی خروجی نماوا قرار گرفت، دبیرخانه کارگروه مصادیق محتوای مجرمانه، نامه‌ای به این پلتفرم ارسال کرد که در

این نامه از مدیران آن خواسته بود تا ساعت ۱۴:۳۰ روز جمعه، این سریال را از روی خروجی خود حذف کنند. آنها استنکاف از این دستور را شامل اقدامات قانونی بعدی دانستند. | ادامه در صفحه ۴



عکس: حسن قاندی



سال هشتم شماره ۱۹۸۳
یک‌شنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۴



دیدگاه: یادداشت

پیشنهادی به مردم و مسئولان تاجیکستان
به‌نوشتار رودکی بازگردید



روزنامه‌نگار

دردود بسر هم‌وطنان رودکی بزرگ و اهالی بخارا؛ حالا که بسیار زیاد در شبکه‌های مجازی می‌بینیم که به ریشه‌های فرهنگی تاریخی خود علاقه دوجندان دارید و خود را متعلق به ایران سیاسی فرهنگی می‌بینید و گذشته ۸۰هزارساله فرهنگ ایران‌شهری، شما را به خود آورده است و ریشه‌های فرهنگی اجتماعی تاریخی خود را دریافته‌اید، تردیدها را کنار بگذارید و به زبان نوشتاری رودکی بازگردید. مردم نجیب و باریشه تاجیک! زبان نوشتاری کشور شما که چند دهه است از زیر یوغ آن درآمده‌اید، شایسته شما که یک چنین پیشینه تاریخی‌ای دارید، نیست. می‌دانم که دشواری‌های خاص خودش را دارد که بخواهید زبان نوشتاری‌تان را از کشور شما به پارسی که زبان شعر و موسیقی است و ریشه فرهنگی‌تان است، برسانید. در پارسی زبان‌زد پندآموزی است که می‌گوید: «جلوی ضرر را هر وقت بگیری، منفعت است». شجاعت به‌خرج دهید: برای آنکه کودکان و نوجوانان امروztان به نوشتار پارسی بازگردند، هرچه زودتر، به این تصمیم بزرگ برسید و اراده کنید به سخن رودکی بنویسید و بگویید: حالا که بنه‌های تاریخی فرهنگی خود را به‌خوبی شناخته‌اید و بدان افتخار می‌کنید، وقت آن است که همه شما به این اراده بزرگ دست یابید و نوشتار مجعول کشورتان را به بته و ریشه فرهنگی خود معطوف کنید؛ به‌خصوص اینکه تورانیان عزم خود را جزم کرده‌اند که توران بزرگ تشکیل دهند و حلقه را بر پارس‌زبانان تنگ کرده‌اند. بدانید و واقف باشید که مردم کنونی ایران نیز با گذشته فرهنگی تاریخی خود آمیخته‌اند: تهاجم‌های تاریخی، اثری عمیق بر آنها نگذاشته است و به ذات خود وانهاده‌اند... چه خوب است که در این بزنگاه تاریخی که رجب طیب اردوغان، عظم‌توران کرده است و می‌خواهد حول‌وحوش کاسپین را به‌چنگ آورد و سرزمینی واحد کند! شما به اندیشه ایران‌شهری خود بازگشته‌اید؛ نوشتارتان را نیز پارسی کنید و افتخار کنید که پدر شعر پارسی بعد از حمله تازیان، «رودکی» بوده است؛ رجب‌ها را به‌عقب برانید که عجیب غریب، باین‌همه دیکتاتوری‌اش، اصرار به تاریخ واهی دارد؛ مخالفان خود را به زندان انداخته است و سودهای خام در سر دارد. اکنون در چنین هنگامه‌ای، بهترین فرصت است که در عمل، به زبان تاریخی فرهنگی خود بازگردید و شاهد شکوفایی نسل‌های آینده تاجیک به شعر و ادبیات پارسی، کهن‌ترین زبان باستانی دنیا که هنوز زنده و سرپا است، باشید. والا مقام جناب آقای امام علی رحمان! این سربلندی و وظیفه تاریخی شاید به‌گرده شما نهاده شده است که آیندگان به تصمیم و اراده شما برای این بازگشت بزرگ افتخار کنند و نام شما را به‌خاطر این اراده پولادین، در تاریخ ضبط و ثبت کنند. چشم مردم کشور شما به همت و اراده‌تان دوخته شده است؛ با عبور از همه دشواری‌های این موضوع بگذرید و با این همت بزرگ، جایگاه رفیعی در تاریخ تاجیکستان برای خود بسازید. در مواجهه با تورانیان، تاریخ‌ساز شوید و با یک اراده بزرگ، به ریشه‌ها صعود کنید. بی‌شک، تاریخ مردم تاجیک به شما برای این تصمیم بزرگ و حیاتی افتخار خواهد کرد. ما نیز چشم‌انتظار شما هستیم که به زبان شعر و موسیقی [پارسی] با شما تغزل کنیم.



ادامه یادداشت روز

تصادد هندسی

اواسط دهه ۸۰ میلادی، «میخائیل گورباچف» که به وخامت اوضاع واقف شده بود، دست به اصلاحاتی موسوم به «پرسترویکا» (بازسازی اقتصادی) و «گلاسنوست» (فضای باز سیاسی) زد؛ برای نخستین‌بار، آزادی بیان نسبی و مشارکت عمومی تشویق و اندیشه اقتصاد آزاد در سیستم کمونیستی تزیق شد اما این اصلاحات، دیر هنگام بود؛ اتحاد شوروی که زمانی ابرقدرتی باثبات بود، در مدت چند سال فروپاشید و در دسامبر ۱۹۹۱ به‌طور رسمی از نقشه جهان محو شد. امروز، شوروی برای مباحث اقتصادی، درس‌های دانشگاهی و تصمیمات اجرایی، نمونه بارزی از تصاعد بحران‌هاست: «اقتصاد درمانده، نارضایتی سیاسی، مسابقه تسلیحاتی، جنگ‌های پرهزینه و اصلاحات دیر هنگام»؛ همه با یکدیگر ترکیب و تشدید شدند و نتیجه‌ای جز سقوط ناگهانی امپراتوری سرخ نداشتند.

هدف از یادآوری این تاریخ، القای این نکته به مسئولان ایران است که هیچ نظام سیاسی‌ای مقابل تجمع بحران‌های فزاینده مصونیت ندارد. اگر مجموعه‌ای از بحران‌های حل نشده به نقطه انفجار برسند، تغییرات بعدی ممکن است از کنترل نیز خارج شوند. گورباچف تلاش کرد با اصلاحات تدریجی، کشتی در حال غرق را نجات دهد اما مقاومت ساختار قدرت و عمق مشکلات، ابتکارهای او را عقیم گذاشت. اتحاد شوروی زمانی فروپاشید که شکاف بین حکومت و ملت به حداکثر رسیده بود و دیگر راه بازگشتی باقی نمانده بود.

نگاهی به کارنامه رشد اقتصادی ایران در دو دهه گذشته، تصویر روشنی از سکون به‌دست می‌دهد: بر اساس آمارهای رسمی و بین‌المللی تا پایان دهه ۸۰ خورشیدی، رشد نسبتاً خوب اقتصادی با متوسط رشد تولید ناخالص داخلی ایران حدود پنج درصد در سال برآورد شده است. درآمدهای سرشار نفتی، ثبات نسبی سال‌های سازندگی و اصلاحات و سرمایه‌گذاری‌های عمرانی به اقتصاد کشور امکان داد تا مسیر توسعه را پیوسته سپری کند؛ هرچند همان زمان نیز مشکلات ساختاری وجود داشتند اما حجم اقتصاد ایران، افزایش محسوسی یافته بود.

در نقطه مقابل، دهه ۱۳۹۰، دهه سقوط آزاد اقتصاد ایران بوده است. متوسط رشد اقتصادی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ به‌طور تقریبی، صفر درصد بوده است، یعنی اقتصاد ایران در پایان سال ۱۴۰۰ تقریباً هم‌حجم سال ۱۳۹۰ بوده و پیشرفتی نکرده است؛ به‌بیان دیگر در این ۲۰ سال، رشد خالص اقتصاد کشور حوالی صفر درجا زده است. این آمار به‌قدری تکان‌دهنده هستند که برخی کارشناسان از اصطلاح «دو دهه از دست‌رفته» برای اقتصاد ایران استفاده می‌کنند. براساس گزارش‌های رسمی، اگر اقتصاد ایران در فاصله ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ همچون روند تاریخی پیش از آن رشد می‌کرد، امروز باید حجمی معادل ۹۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی می‌داشت و در رده هجدهم اقتصادهای جهان (هم‌تراز هلند و بالاتر از ترکیه و سوئیس) می‌ایستاد اما تولید ناخالص داخلی ایران، در سال ۱۴۰۰ با نرخ نیما فقط حدود ۱۹۰ میلیارد دلار برآورد شده که حتی پایین‌تر از اقتصاد پاکستان و اندکی بالاتر از عراق است؛ این یعنی اقتصاد ایران امروز همان جایی ایستاده است که ۲۰ سال پیش قرار داشت. دو دهه تلاش و هزینه، در عمل، هیچ نتیجه ملموسی برای بهبود رفاه مردم و قدرت اقتصادی کشور نداشته است.

نشانه‌های سرگیجه اقتصاد ایران در این آمار موج می‌زند. برای مقایسه با سایر کشورها، صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرد که رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۵ میلادی (معادل ۱۴۰۴ خورشیدی) تنها حدود ۳ درصد خواهد بود؛ این نرخ نزدیک به صفر، کنار تورمی که همواره جزو بالاترین‌های جهان بوده است به‌معنای ادامه وضعیت رکود تورمی و افت مداوم درآمد سرانه مردم است. ایران در گزارش‌های رشد اقتصادی منطقه‌ای، در سال‌های اخیر، یکی از ضعیف‌ترین عملکردها را ثبت کرده و حتی از بسیاری کشورهای بحران‌زده، عقب‌مانده‌تر است؛ به‌بیان ساده، اقتصاد کشور در یک چرخه معیوب گرفتار شده که خروج از آن نیازمند تغییراتی بنیادی است؛ تغییراتی که بدون اراده سیاسی و اصلاحات ساختاری، بعید به نظر می‌رسند.

یکی از عوامل کلیدی افت رشد و بی‌ثباتی اقتصاد ایران، ناترازی‌های شدیدی است که در ساختارهای مالی و اجرایی کشور ریشه کرده‌اند. چهار ناترازی مهم در سال‌های اخیر آشکارتر شده‌اند: کسری بودجه دولت، بحران نظام بانکی، ناترازی انرژی و فروپاشی سرمایه اجتماعی. هر کدام از این موارد به‌تنهایی تهدیدی جدی برای آینده کشور هستند و در ترکیب با یکدیگر، موتور تولید بحران‌های فزاینده را تشکیل می‌دهند.

بررسی رویدادهای سیاسی



در یک جمع‌بندی کوتاه، وضعیت ایران چنین است: دولتی با جیب خالی و کسری مزمن، بانکی با صندوق خالی و بدهی انباشته، طبیعی با سفره‌های خالی و منابع روبه اتمام و مردمی با دل‌های خالی از امید و اعتماد. این چهار خلأ اگر پرنشوند، هر کدام چون جرقه‌ای می‌توانند، خرمن ثبات کشور را به آتش بکشند؛ ضمن اینکه هر کدام از این نارسایی‌ها، دیگری را تشدید می‌کند: کسری بودجه با چاپ پول به تورم و کاهش اعتماد دامن می‌زند؛ بی‌اعتمادی عمومی، مهاجرت نخبگان را تسدتر می‌کند و فرار مغزها، حل مشکلات اقتصادی را سخت‌تر می‌سازد؛ تخریب محیط‌زیست نیز به فقر و نارضایتی اجتماعی جدید می‌انجامد. این دور باطل همان چرخه تصاعد هندسی بحران‌هاست که پیش‌تر گفتیم.

یکی از عوامل مهمی که به تشدید مشکلات اقتصادی و نا اطمینانی در کشور انجامیده، وضعیت بالatkلیف مذاکرات هسته‌ای است. بیش از یک نسل است که پرونده هسته‌ای همچون ابری بر آسمان اقتصاد ایران سایه افکنده است؛ هر تحول مثبت یا منفی در این پرونده به‌گونه‌ای مستقیم، انتظارات و تصمیمات اقتصادی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. بن‌بست کنونی مذاکرات (پس از شکست تلاش‌ها برای احیای برجام در دولت رئیسی)، فضایی آکنده از ابهام و انتظار ایجاد کرده است که عواقب آن به‌صورت روزمره در بازار و روان مردم مشاهده می‌شود.

فعالان اقتصادی نمی‌دانند باید منتظر رفع تحریم‌ها باشند یا خود را برای تشدید آن آماده کنند؛ کارآفرینان و صنعت‌گران داخلی نیز در شرایط مه‌آلود کنونی، جرات برنامه‌ریزی بلندمدت ندارند. نتیجه، سکون سرمایه‌گذاری و تعویق تصمیم‌های مهم اقتصادی است که خود به رکود دامن می‌زند. بخش خصوصی در حالت صبر و تردید قرار دارد و آینده را مهم می‌بیند. از سوی دیگر، مردم عادی نیز اخبار مذاکرات را به‌دقت رصد می‌کنند و این اخبار بر انتظارات تورمی و رفتار اقتصادی خانوارها موثر هستند؛ برای نمونه، هرگاه خبر مثبتی از احتمال از سرگیری مذاکرات و توافق منتشر می‌شود، قیمت دلار و سکه کاهش می‌یابد و نوعی خوش‌بینی احتیاطی در جامعه ایجاد می‌شود؛ برعکس، هر زمان مذاکرات متوقف یا با شکست مواجهه شده، انتظارات منفی تقویت شده و قیمت ارز و طلا، جهش پیدا کرده است. این نوسانات انتظاری، برنامه‌ریزی اقتصادی را دشوارتر کرده‌اند و ثبات بازارها را برهم زده‌اند. تلاطم دائمی بازار در چند سال اخیر، بی‌شک تا اندازه زیادی، ناشی از چشم‌انداز نامشخص تعاملات خارجی و چشم‌انتظاری گشایش یا تشدید تحریم‌ها بوده است.

از منظر روانی نیز جامعه خسته شده است؛ مردمی که ۲۰ سال امید بسته‌اند شاید توافقی حاصل و اوضاع بهتر شود، اکنون بیشتر دچار سرخوردگی و ناامیدی شده‌اند. وعده‌های مکرر مسئولان در دوره‌های مختلف (از «صبح بدون تحریم» گرفته تا «گشایش در راه است») که محقق نشده‌اند، اعتماد عمومی را فرسوده و صبر مردم را البریز کرده است. کسب‌وکارها نیز یاد گرفته‌اند همواره یک سناریو بدبینانه (ادامه وضعیت موجود) را مدنظر داشته باشند. این ذهنیت که «قرار نیست اتفاق مثبتی بیفتد» خود می‌تواند به نگاه منفی بینجامد و سرمایه‌ها را بیشتر از کشور فراری دهد؛ به‌قولی بالاتkلیفی از خود تحریم‌ها بدتر است؛ حداقل اگر تکلیف مشخص باشد، بازیگران اقتصادی استراتژی متناسب را اتخاذ می‌کنند اما در شرایط ابهام، نه می‌توان پیش رفت، نه عقب نشست.

در این فضای مه‌آلود، اگر همچنان استراتژی انتظار و اتکا به اقتصاد مقاومتی را بدون حل ریشه‌ای مساله در پیش گرفته شود باید منتظر تشدید تصاعدی بحران‌ها باشد. نفس‌های اقتصاد ایران به‌شماره افتاده است و هر اعلام شکست در مذاکرات، می‌تواند تکانه‌ای سهمگین بر پیکر نحیف اقتصاد وارد کند؛ در مقابل حتی یک توافق موقت و محدود، اثراتی مثبت، هرچند کوتاهمدت بر بازار خواهد داشت. خلاصه اینکه، آینده اقتصاد ایران گروگان سرنوشت مذاکرات هسته‌ای باقی مانده است و این گروگان‌گیری پرهزینه باید هرچه زودتر خاتمه یابد. بالاتkلیفی کنونی فقط «زمان» را می‌کشد و زمان به زبان ایران در حال گذر است.

با جمع‌بندی مباحث بالا، اکنون می‌توان تصویری بزرگ‌تر از شرایط ایران ترسیم کرد: تصویری که متأسفانه نگران‌کننده است. این سخن هشدار نرم به دولتمردان ایران است که بیاموزند و اجازه ندهند، تاریخ به شکل دیگری تکرار شود.

ایران امروز هنوز به آن نقطه بازگشت‌ناپذیر نرسیده است اما نشانه‌های خطر را نمی‌توان نادیده گرفت. ترکیب بحران‌های

اقتصادی (تورم، بیکاری، رشد صفر و سقوط پول ملی)، بحران‌های اجتماعی (ناامیدی جوانان، شکاف دولت- ملت و اعتراضات خیابانی) بحران‌های زیست‌محیطی (آب، انرژی و آلودگی) و انزوای خارجی، کشور ما را وارد منطقه قرمز خطر کرده است. این بحران‌ها، نه خطی که هندسی در حال تشدید هستند؛ هر روز که می‌گذرد، حل آن‌ها دشوارتر و هزینه‌برتر می‌شود. دیرکرد در اصلاحات مثل افزایش تصاعدی بهره و جریمه است که روی یکدیگر انباشته می‌شوند.

در چنین شرایطی، ایران باید شجاعت تصمیم‌های بزرگ را داشته باشد. وقت آن رسیده است که به جای شعار و وعده‌های کلی، اقدامات عملی و ملموس در چهار حوزه کلیدی آغاز شود: اصلاح سیاست خارجی (تش‌زدایی و تعامل برای رفع تحریم‌ها)، اصلاحات اقتصادی ساختاری (انضباط مالی، مبارزه با فساد، خصوصی‌سازی واقعی و بهبود فضای کسب‌وکار)، اصلاحات سیاسی- اجتماعی (افزایش مشارکت مردم در حاکمیت، احترام به حقوق و آزادی‌های شهروندی و آشتی با نسل جوان) و توجه به محیط‌زیست و توسعه پایدار. این چهار محور همچون چهار پایه یک میز هستند؛ کشور زمانی بر این میز می‌ایستد و به آینده روشن می‌اندیشد و در مسیر آن گام برمی‌دارد که هر چهار پایه، محکم و مستحکم باشند؛ هرگونه بی‌توجهی به یکی از این ابعاد، کل طرح اصلاحات را متزلزل خواهد کرد. دل‌سوزها بارها گفته‌اند که بزرگ‌ترین تهدید برای ایران، نه حمله خارجی است، نه توطئه بیگانه بلکه فرسایش مستمر پایه‌های اعتماد و ثبات است.

سران کشور شاید فروپاشی شوروی را به‌حساب ایدئولوژی کمونیسم بگذارند و گمان کنند، نظام دینی آنان از چنین سرنوشتی مبرا است اما مشکلات اقتصادی و اجتماعی، وابسته به ایدئولوژی نیست؛ در منابع دینی آمده است که اگر فقر از دری وارد خانه‌ای شود، ایمان از دری دیگری می‌رود. با این حساب، اگر مدیری ناکارآمد باشد، چه شوروی کمونیست باشد، چه ایران اسلامی، خروجی مشابهی خواهد داشت. البته، مسئولان عالی‌رتبه بارها به خطرات اوضاع اقتصادی اشاره کرده‌اند: برای نمونه، مقام معظم رهبری، سال‌ها پیش به «جنگ اقتصادی دشمن» اشاره کردند و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را علاج دانستند. امروز حتی مقامات امنیتی نیز هشدار می‌دهند که نارضایتی عمومی و شکاف اجتماعی می‌تواند به ناامنی فراگیر بدل شود؛ این سخنان را باید جدی گرفت و به جای انکار یا توجیه، چاره‌اندیشی کرد.

مجموع مطالب این مقال، یک پیام واحد دارد: بحران‌های متعدد کشور در حال شتاب هستند و یکدیگر را تقویت می‌کنند (تصادد هندسی). اگر این چرخه معیوب شکسته نشود، ممکن است در زمانی نه‌چندان دور با وضعیتی مواجه شویم که کنترل از دست همه خارج شود؛ به‌قول آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در آن نامه تاریخی:

سرچشمه شاید گرفتن به پیل / چو پر شد شاید گذشتن به پیل
هنوز روزنه امید باقی است. ایران منابع مادی و معنوی کمی ندارد. نیروی انسانی جوان و بااستعداد، ذخایر غنی طبیعی، موقعیت جغرافیایی ممتاز و هویتی تاریخی کهن می‌توانند جلوی بحران را بگیرند، به‌شرط آنکه تصمیمات حاکمیتی عاقلانه و مردمی، جایگزین رویه‌های پرخاطی کنونی شوند. اصلاحاتی که سال‌ها پیش با هزینه‌ای به‌مراتب کمتر قابل انجام بودند، امروز باید با هزینه بیشتر و دردناک‌تر انجام شوند.

البته هرچه حل بحران‌ها عقب بیفتند، شدت تصاعدی آن‌ها بیشتر می‌شود و تبعات آنها، مهارنشdنی تر. امروز فرصت اصلاحات ساختاری شاید آخرین فرصت باشد. باید چرخه بحران‌ها، یعنی زنجیره کسری بودجه، تورم و رکود را با انضباط مالی و رونق تولید شکست؛ باید حلقه تحریم، فقر و ناامنی را با تعامل سازنده و توسعه اقتصادی گسست و دور باطل فساد، بی‌اعتمادی و مشارکت‌گریزی را با شفافیت و آشتی ملی از هم گسیخت. انجام این ماموریت دشوار است اما نشدنی نیست؛ لازمه آن، اراده سیاسی قوی، اجماع حاکمیتی و جلب مشارکت نخبگان و مردم است. در ادبیات دینی ما آمده است که هیچ ملتی تغییر نمی‌کند مگر آنکه خود را تغییر دهد. تغییر رفتار نظام حکمرانی، کلید تغییر سرنوشت ایران است.

در پایان، تاکید می‌کنم که این نوشتار، ناقوسی است که به‌صدا درآمده تا بیدارباشی برای مسئولان باشد؛ نه اغراق در کار است، نه سیاه‌نمایی. کیست که در ایران باشد و این موارد را با تمام وجود حس نکرده باشد؟! انتخاب با تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور است. بادا که خردمندی پیشه کنند و ایران عزیز را از فروغلتیدن در گرداب تصاعدی بحران‌ها نجات دهند؛ ان‌شالله.



سال هشتم شماره ۱۹۸۳
یکشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۴

بررسی تحولات جهان

افق

مکرون در شرق آسیا

سفر منطقه‌ای مکرون به سه کشور مهم آسه‌آن چه پیامی برای چین دارد؟

فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل



تور آسیایی امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه زیر ذره‌بین چینی‌ها قرار گرفته و به نظر می‌آید که آنها چندان از تحرکات پاریس خوشحال نیستند. اصولاً زمانی که کشورهای غربی در خارج نزدیک چینی‌ها تحرکات دیپلماتیک انجام می‌دهند، آنها به شدت نگران و حتی عصبانی می‌شوند؛ چراکه اینگونه رفت‌وآمدها از منظر پکن به معنای خدشه‌دار کردن منافع کلان چین به خصوص در زمینه تسلیحاتی و اقتصادی است. بر همین اساس بسیاری از رسانه‌های غربی سفر مکرون به سه کشور ویتنام، اندونزی و سنگاپور را در جهت تقویت روابط اقتصادی و امنیتی پاریس توصیف کردند چراکه فرانسه به همراه ۲۷ عضو اتحادیه اروپا با چالش اعمال تعرفه‌های تجاری دولت دونالد ترامپ مواجه هستند و تلاش دارد تا لطمه تجاری که از سمت متحد آمریکایی خود در این جنگ تجاری می‌خورد را با ایجاد بهبود و پیوند اقتصادی با کشورهایی که نقطه ثقل اقتصادی

جهان در شرق آسیا هستند، جبران کند. مکرون درحالی به دو کشور ویتنام و اندونزی در هفته گذشته سفر کرد که شیگرو ایشیبا، نخست‌وزیر ژاپن نیز با هدف تعمیق روابط در زمینه تجاری و دفاعی با توجه از نگرانی به وجود آمده از به راه افتادن جنگ تعرفه‌های تجاری دولت ترامپ حدود یک هفته پیش به ویتنام سفر کرده بود. این درحالی بود که شسی جین پینگ، رئیس‌جمهوری چین نیز پیش از نخست‌وزیر ژاپن با شکستن سکوت خود در قبال اعمال تعرفه‌های دولت ترامپ مبنی بر اینکه جنگ تجاری برنده‌ای ندارد در مورخ ۲۵ فروردین ماه سال جاری به ویتنام سفر کرده بود.

توافق پشت توافق

سفر منطقه‌ای مکرون به سه کشور مهم آسه‌آن نشان می‌دهد که فرانسه به عنوان دومین قدرت بزرگ اقتصادی اتحادیه اروپا پس از آلمان، در پی تلاطمات تجاری ناشی از اعمال تعرفه‌های تجاری دولت ترامپ به شدت احساس ناامنی اقتصادی کرده و به دنبال یافتن متحدان جدید اقتصادی و تعمیق هرچه بیشتر روابط خود با چنین کشورهایی واقع

دیپلماسی

جنگ روانی علیه غنی‌سازی

با وجود تاکید چندباره تهران در مورد پرهیز آمریکا از بازی رسانه‌ای با مذاکرات، همچنان مقامات واشنگتن رویه غلط را ادامه می‌دهند

گروه بین‌الملل: از ابتدای شروع دور اول مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در عمان تا امروز که پنجمین دور از این گفت‌وگوها با میانجی‌گری و هدایت عمان برگزار شده است، بارها و بارها شاهد اظهارنظر مقامات ایالات‌متحده پیش و پس از مذاکره با تیم مذاکره‌کننده تهران بوده‌ایم. رویه ثابت تیم مذاکره‌کننده ایران در این مذاکرات که سیدعباس عراقچی هدایت آن را بر عهده دارد، این بوده است که قبل از عزیمت به محل مذاکرات (مسقط و ژم) موضعی از طریق حساب‌های کاربری در «ایکس» توسط سخنگوی وزارت خارجه و وزیر خارجه کشورمان اتخاذ می‌شده است؛ در حین آن هم اطلاع‌رسانی‌هایی از طریق رسانه‌هایی که خبرنگاران آنها در محل مذاکرات حضور داشتند، اتفاق می‌افتاد و درنهایت با پایان مذاکرات، وزیر خارجه کشورمان توضیحات تکمیلی و جمع‌بندی نهایی را ارائه می‌داد.

اما در سوی دیگر این معادله، آمریکایی‌ها به‌گونه‌ای دیگر رفتار کرده و می‌کنند و اصولاً پس از بازگشت از مذاکرات با رسانه‌های خود مصاحبه‌های تفصیلی انجام می‌دهند؛ عموماً «استیو ویتکاف»، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا به منطقه در این مصاحبه‌ها حضور پیدا کرده و مواضع واشنگتن را بیان می‌کند. در امتداد این روند اما دونالد ترامپ نیز سعی می‌کند که هرزگامی اظهاراتی نه‌چندان جدید را درباره مذاکرات بیان کند اما به‌صورت کلی باید توجه شود که این مدل از موضع‌گیری‌های مقامات ایالات‌متحده، نشان از یک فرآیند هماهنگ دارد و به‌نوعی، ما با یک جنگ روانی مشخص رویه‌رو هستیم.

تیم ترامپ چگونه کار می‌کند؟

اگر در این مدت به تحرکات رسانه‌ای آمریکایی‌ها در قبال مذاکرات غیرمستقیم با ایران توجه کنیم، می‌بینیم که آنها به‌صورت کاملاً مشخص بر دو محور متمرکز هستند؛ محور اول بحث غنی‌سازی توسط ایران است. بارها و بارها، رسانه‌های آمریکایی در دو قالب مصاحبه‌های هدفمند و گزارش‌های تحلیلی با منشا دولتی (عموماً بدون ذکر نام) سعی کرده‌اند به هر ترتیب که شده است، یک جهت‌دهی مشخص را علیه توافق با ایران پیش ببرند؛ به‌عنوان مثال به‌تازگی، «وال استریت ژورنال» اعلام کرده است که پیش‌نویس مربوط به غنی‌سازی ایران توسط ایالات‌متحده آماده شده و قرار است که در ششمین دور مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا مطرح شود یا در ادوار گذشته، یک‌باره خبرگزاری «رویترز» و حتی روزنامه «نیویورک تایمز» اعلام کردند که مسائلی جز غنی‌سازی و رفع تحریم‌های ایران که موضوع مورد درخواست تهران در مذاکرات



بوده توسط دو طرف به بحث و گفت‌وگو گذاشته شده است که مقامات تیم مذاکره‌کننده کشورمان آنها را تکذیب کردند.

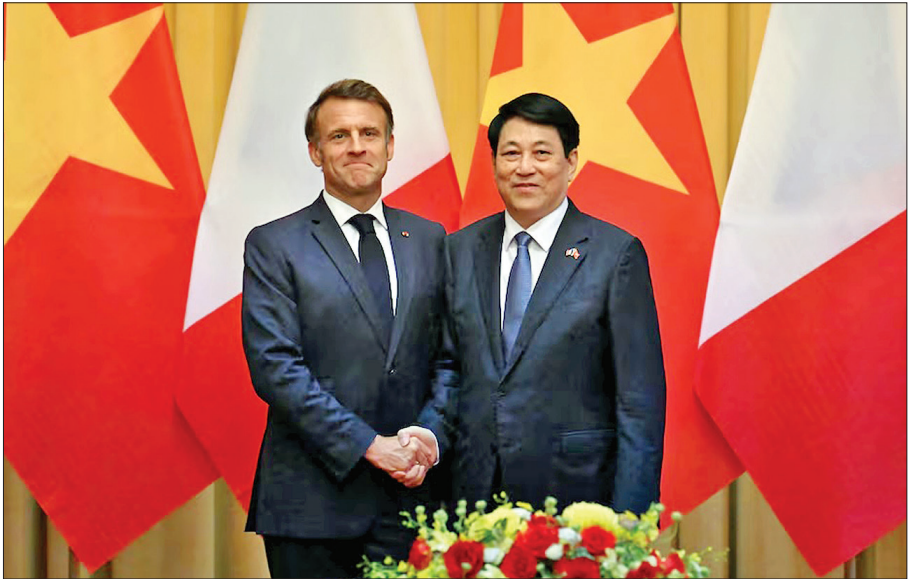
در مورد غنی‌سازی در برهه‌های مختلف دیده شد که ویتکاف و حتی «مایکل والتز»، مشاور امنیت ملی ترامپ همراه «مارکو رویو»، وزیر خارجه ایالات‌متحده و حتی «پیت هگست» که هدایت پنتاگون را بر عهده دارد، موضع کاملاً رادیکال اتخاذ و حتی بحث بمباران ایران و تاسیسات هسته‌ای را مطرح کردند که هنوز هم ترامپ بر این موضع خود تکیه دارد و آن را تکرار می‌کند. به‌عنوان نمونه، فقط از چهارشنبه هفته گذشته تا جمعه، او دو بار به‌صورت مستقیم اما با تفاوت در استفاده از برخی کلمات، ایران و خاورمیانه را تهدید به بمباران کرده است. اگرچه ستون فقرات این هماهنگی را باید صف‌بندی هماهنگ علیه مساله غنی‌سازی ایران دانست اما مساله اینجاست که ضریب دادن به این موضوع از سوی رسانه‌های نزدیک به محافظه‌کاران مانند «فاکس نیوز» نشان می‌دهد که ترامپ و تیم او دنبال ایجاد یک جنگ روانی مشخص علیه ایران و ماهیت مذاکراتی بوده‌اند که همه در انتظار برگزاری ششمین دور آن هستند.

خلق دوگانه

اما محور دوم را باید انداختن توپ در زمین ایران دانست. اگر اظهارات ترامپ به‌خصوص در یک ماه گذشته را زیر ذره‌بین ببریم به‌وضوح می‌بینیم که او سعی می‌کند این پیام را مخابره کند

در جنوب شرق آسیاست که البته در این مسیر چینی‌ها هم احساس ترس دارند. در این راستا مکرون طی سخنانی در نشست امنیتی «گفت‌وگوی شانگری-لا» در سنگاپور ضمن تاکید بر لزوم ایجاد ائتلاف‌های جدید، خواستار ایجاد روابط ویژه جدید بین اتحادیه اروپا و کشورهای آسیایی در منطقه هند و اقیانوسیه شد.

مکرون در حالی به سفر منطقه جنوب شرقی آسیا رفت که فرانسه و اتحادیه اروپا قصد دارند تا روابط تجاری خود را در آسیا تقویت کرده تا بدین شکل بتوانند اقدامات تعرفه‌های تجاری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را خنثی و جبران کنند. در همین حال تارنمای وزارت خارجه سنگاپور



در ارتباط با دیدار مکرون با مقامات سنگاپوری نوشت که در این دیدارها از ادامه تعامل فرانسه در منطقه استقبال شد و طرفین همچنین راه‌های افزایش همکاری بین فرانسه و «آسه‌آن» و همکاری اتحادیه اروپا با آسه‌آن و توافقنامه جامع برای مشارکت ترانس پاسیفیک (CPTPP) را مورد بحث و بررسی قرار دادند. در سفر مکرون به سنگاپور ۱۳ توافقنامه و یادداشت تفاهم در زمینه‌های دفاعی و امنیتی، انرژی هسته‌ای غیرنظامی، حقوقی، هوش مصنوعی، حمل‌ونقل و آموزش به امضا رسید همچنین در سفر به اندونزی هم ۲۷ قرارداد و تفاهم‌نامه به ارزش ۱۱ میلیارد دلار بین دو کشور به امضا رسید که بیشتر متمرکز بر مسائل تجاری و دفاعی بود.

اروپا

ژرمن‌ها علیه اسرائیل

آلمان چگونه به دنبال اعمال فشار سیاسی بر نتانیاهو در قبال غزه است؟

انتقاد کشورهای اروپایی از عملکرد اسرائیل و کابینه آن به رهبری «بنیامین نتانیاهو» در غزه به جایی رسیده که حالا برلین مواضع خود را صریح‌تر کرده است. در این خصوص «یوهان واده‌فول»، وزیر خارجه آلمان با تاکید بر اینکه برخی از اقدامات کابینه اسرائیل مستلزم انتقاد است، اظهار کرد که برلین گفت‌وگوهای خود را نسبت به اسرائیل تغییر داده و احتمال دارد، گام بعدی شامل تغییری در رویه‌های سیاسی آن باشد. او گفت که همراه با «فردریش مرتس»، صدراعظم آلمان به‌وضوح نظرات خود را درباره این مسائل اعلام کرده‌اند.

وزیر خارجه آلمان در ادامه نیز دلیل تغییر گفت‌وگوها برلین درباره غزه را منتقل نشدن کمک‌ها به نوار غزه در هفته‌های گذشته عنوان کرد. او گفت که در جریان سفرش به اسرائیل، به‌نمایندگی از دولت آلمان، از کابینه اسرائیل خواسته است که این شرایط را اصلاح کند. واده‌فول افزود: «من حتی حاضر بودم، مکانیسم جدید و برنامه‌ریزی شده توزیع کمک‌ها را به‌عنوان راه‌کاری عملی برای خروج از بحران بپذیرم».

وزیر خارجه آلمان همچنین گفت که «بعد از حدود سه هفته، متوجه شدم که این کار موفقیت‌آمیز نبوده است و کمک‌هایی که وارد شدند، تنها قطره‌ای در اقیانوس بودند. این مساله به تضمین حقوق اولیه بشر مربوط است. این بیماران، افراد ضعیف و کودکان هستند که ابتدا با خطر مرگ مواجه هستند؛ در نتیجه ما گفت‌وگوهای خود را تغییر دادیم. در گام بعدی این احتمال وجود دارد که رویه‌های سیاسی خود را نیز تغییر دهیم».



یادداشت: موسیقی

هم‌خوانی هزاران صدا

نگاهی به تأثیرات فرهنگی و اجتماعی کنسرت ایرانم علیرضا قربانی



محمدسعید پروین

گزارش‌گر موسیقی

این شب‌ها، فضای غربی استادیوم آزادی تهران میزبان پدیده‌ای کم‌نظیر است؛ هزاران نفر گرد هم آمده‌اند تا در کنسرت علیرضا قربانی، یکی از تأثیرگذارترین خوانندگان موسیقی اصیل ایرانی، شرکت کنند. اما این رویداد فراتر از یک اجرای موسیقی صرف است؛ این‌جا با صحنه‌ای از همبستگی اجتماعی، اشتراک فرهنگی و بازتعریف هویت جمعی روبه‌رو هستیم.

بازگشت به ریشه‌های فرهنگ شفاهی

یکی از لحظات ماندگار این کنسرت‌ها، زمانی است که حدود ۷۵۰۰ نفر هم‌زمان با قربانی قطعه معروف «روزگار غرب» را می‌خوانند. این صحنه یادآور سنت‌هایی چون شاهنامه‌خوانی و تعزیه به‌شمار می‌آید؛ آیین‌هایی که در آن‌ها مخاطب تنها تماشاگر نبود بلکه نقشی فعال در اجرا ایفا می‌کرد. جامعه‌شناسان بر این باورند که ایرانیان به‌دلیل پیشینه تاریخی‌شان همواره گرایش به فرهنگ شفاهی و مشارکت جمعی داشته‌اند. کنسرت علیرضا قربانی با تبدیل مخاطبان به کنشگران اصلی صحنه، این ویژگی عمیق فرهنگی را در قالبی مدرن بازآفرینی کرده است. در روزگاری که فردگرایی و انزوای ناشی از فضای مجازی رو به گسترش است، چنین تجربه‌های جمعی می‌تواند پیوندهای اجتماعی را بازسازی کند.

معماری همبستگی

برگزاری کنسرت در استادیوم آزادی با ظرفیت بیش از ۷۵۰۰ نفر، انتخابی معنادار است. این استادیوم که معمولاً محل رقابت‌های ورزشی است، این بار به صحنه‌ای برای همدلی و اشتراک فرهنگی بدل شده است. طراحی خاص فضای کنسرت با بهره‌گیری از سیستم‌های پیشرفته صوتی و تصویری، ویدئومینگ حرفه‌ای و صندلی‌های مناسب، امکان تجربه‌ای یکسان را برای تمام حاضران فراهم کرده است. این در حالی است که بسیاری از سالن‌های کنسرت در کشور با مشکلات زیرساختی مواجه‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که در برخی سالن‌ها حتی سیستم تهویه در میانه اجرا از کار می‌افتد اما در این رویداد، استانداردهای حرفه‌ای به‌درستی رعایت شده‌اند.

الگوی برای توسعه صنایع خلاق

فروش بیش از ۲۰ هزار بلیت در کمتر از ۳۰ دقیقه و تمدید چندباره شب‌های اجرا، نشان‌دهنده ظرفیت بالای اقتصادی موسیقی اصیل ایرانی است. این موفقیت، حامل چند پیام مهم است: ۱- بخش خصوصی می‌تواند با مدیریت حرفه‌ای و سرمایه‌گذاری هدفمند، رویدادهای فرهنگی بزرگ و استاندارد برگزار کند. ۲- مخاطبان ایرانی آمادگی دارند برای تجربه‌های فرهنگی باکیفیت هزینه کنند. ۳- موسیقی اصیل می‌تواند در رقابت با تولیدات بازاری نیز موفق باشد.

توریسم فرهنگی

تور کنسرت «ایرانم» علیرضا قربانی که قرار است در هفت شهر مختلف از شیراز تا تبریز و اهواز برگزار شود، نمونه‌ای موفق از توریسم فرهنگی داخلی است. این کنسرت‌ها نه تنها اجرای موسیقی‌اند بلکه فرصتی برای اتصال فرهنگ‌های محلی و تقویت

در غیاب عشق‌های باشکوه

درباره مجموعه داستان **گالری امیال بشری** نوشته محسن فرجی



مها دیبا

داستان‌نویس

«گالری امیال بشری» کتاب جدید محسن فرجی، شامل پنج داستان کوتاه با فضایی رئال، روایت آدم‌هایی بعضاً سرخورده است که از بند گذشته رها نشده‌اند و گذر زمان هم نتوانسته مرهمی بر زخم‌های فروخورده‌شان بگذارد. تروماهایی که همچون ذوالپا بر شانه افکار و اذهانشان سنگینی می‌کند و با تلنگری به قهقرا می‌کشاندشان، ولی نویسنده تلاش می‌کند تا با پایان‌بندی هرچند باز، رگه‌هایی از امید را به داستان تزریق کند تا از زهر تلخ‌کامی‌ها بکاهد.

محسن فرجی راوی صبور است و خیلی آرام با ترکیبی از فضای چخوفی- جان چپوری، سراسر روایت روزمره می‌رود و داستان شهری می‌سازد. او با نثری روان و به دور از بازی‌های زبانی و اطبان، داستان‌هایی از روزمرگی‌ها را روایت می‌کند که لزوماً به عشق باشکوه یا مرگی عجیب و غریب ختم نمی‌شوند؛ روزمرگی‌هایی که بعضاً پیرنگ شفافی ندارند اما تا انتها مخاطب را

ادامه تیتیریک



از سکوت خسته‌ام

تمام تعهدات عمل شده و با وجود حذف حدود ۲۰ دقیقه از سریال (!) گرفتار اختلاف سلیقه‌ای فقط سر ۶۲ ثانیه شده است.»

حالا آنهایی که می‌خواستند به تماشای سریال «سووشون» بنشینند، به‌دلیل نبود دسترسی به نماوا دیگر نمی‌توانستند از طریق قانونی این مجموعه را ببینند. آنها یا باید نسخه دانلودی آن را از کانال‌های تلگرامی دریافت می‌کردند یا اینکه به تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای می‌نشستند که به‌دفعات اقدام به پخش سریال‌ها به‌طور غیرقانونی می‌کنند.

از اینجا بود که رابزنی میان مدیران این پلتفرم با مدیران ساترا و قوه قضاییه آغاز شد اما تا زمان نوشتن این گزارش، هیچ تغییری در مسدودیت پلتفرم نماوا یا توقیف «سووشون» رخ نداده است و همچنان این دو غیرقابل دسترسی هستند اما در شبکه‌های مجازی، بحث‌وجدل‌های بسیاری درباره این اتفاق صورت گرفته است؛ عده‌ای از این شکل برخورد استقبال کردند و عده‌ای دیگر آن در مذمت آن می‌گویند و می‌نویسند.

روز بعد، هیات‌مدیره انجمن شرکت‌های نمایش ویدیویی آنلاین، با انتشار بیانیه‌ای، نسبت به این اقدام واکنش نشان داد و با انتقاد از برخورد‌های سلیقه‌ای و غیرشفاف با پلتفرم‌های قانونی نسبت به تضعیف صنعت نمایش خانگی و تقویت بسترهای غیررسمی هشدار داد.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «فیلتر شدن ناگهانی پلتفرم نماوا، یک‌بار دیگر توجه افکار عمومی و فعالان حوزه رسانه را به برخوردهای سلیقه‌ای و بعضاً غیرشفاف با پلتفرم‌های نمایش خانگی جلب کرد. نکته قابل تامل در این تصمیم، این است که به‌جای مسدود کردن محتوای مورد مناقشه، کل دامنه پلتفرم مسدود شد؛ درحالی‌که محتوای تولید شده در پلتفرم‌ها، هنوز از طریق کانال‌ها و سایت‌های

ساعتی پس از مهلت مقرر شده، صفحه این پلتفرم مسدود و از دسترس کاربران داخل ایران محو شد؛ از آن پس بود که مشترکان این پلتفرم تنها با استفاده از فیلترشکن، امکان دسترسی به حساب اشتراک خود داشتند.

در آن زمان، این نامه به‌طور رسمی منتشر نشده بود اما پس از این اتفاق، مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد: «سریال سووشون که محصول شبکه نمایش خانگی است، به‌دلیل عد دریافت مجوزهای قانونی توقیف شد و با توجه به تخلف صورت‌گرفته از سوی شبکه نمایش خانگی نماوا و امتناع آن از انجام تعهدات قانونی، این پلتفرم مسدود شد.»

تا پیش از این، چند سریال و رئالیتی‌شو طعم توقیف را چشیده بودند اما پلتفرمی که اقدام به انتشار آنها کرده بود، دچار مسدودیت نمی‌شد. برای اولین‌بار بود که فعالیت یک پلتفرم به‌دلیل انتشار یک سریال متوقف و خروجی آن، مسدود می‌شد؛ حال اینکه شرایط پیش‌آمده برای «سووشون»، به تغییرات مدیریتی اخیر در ساترا برمی‌گردد یا پلتفرمی که انتشار را بر عهده گرفته یا جدی‌تر اعمال شدن قانونی که مدت‌هاست تصویب شده است، مشخص نیست.

ساعتی پس از این اتفاق، نماوا بیانیه‌ای در این باره صادر کرد و این اتفاق را به دلیل حذف نشدن ۶۲ ثانیه از سریال دانست. در این بیانیه آمده است: «با توجه به اخبار منتشره مرتبط با فیلتر نماوا به خاطر عدم صدور مجوز سووشون، لازم می‌دانیم به آگاهی مخاطبان برسانیم که سریال سووشون با مجوز تولید و با صرف هزینه بالا تولید شده و در چند مرحله مورد بازبینی نمایندگان ساترا قرار گرفته و چندین بار میزبان کارشناسان این نهاد بوده است. این سریال به‌خاطر طولانی شدن روند اصلاحات ساترا، گرفتار تعلیق عرضه شده و حالا که عرضه شده است، چنین گرفتار محدودیت می‌شود؛ درحالی‌که به



سال هشتم شماره ۱۹۸۳
یکشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۴

گزارش: سینمای جهان

فیلم‌سازی در ۹۵ سالگی

کلینت ایستوود نمی‌خواهد بازنشسته شود

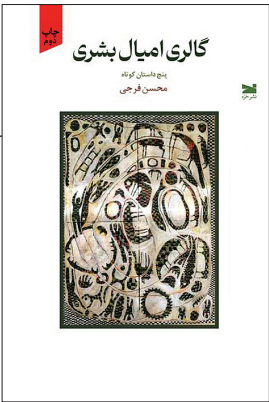
و زیر قرارداد با استودیو مجبور بودم هر سال چیز تازه‌ای یاد بگیرم. همین الزام به یادگیری، راز ماندگاری من شد. تا وقتی که بتوانم چیزی بیاموزم، کار خواهم کرد. مگر اینکه واقعا احق شده باشم».

دو سال پیش اعلام شد این بازیگر و کارگردان که نزدیک به ۵۰ فیلم در مدت ۶ دهه فعالیت هنری در کارنامه دارد، آخرین فیلمش را می‌سازد؛ در آن زمان، رسانه‌های خبری اعلام کردند ایستوود ۹۲ ساله در حال شروع کارگردانی فیلمی است که از آن به‌عنوان آخرین فیلمش یاد شده است. ایستوود که نزدیک به ۵۰ سال با کمپانی برادران وارنر همکاری کرده است، قصد دارد آخرین فیلمش را نیز برای همین کمپانی کارگردانی کند. کلینت ایستوود از زمان اکران «گرن تورینو» در سال ۲۰۰۸ به‌طور انحصاری، برای برادران وارنر کار کرده و ۱۰ فیلم دیگر، از جمله «تک‌تیرانداز آمریکایی»، «سالی» و «ریچارد جول» را برای آنها ساخته است.

با این حال، همان زمان هم این‌طور به‌نظر می‌رسید که این تنها گمانه‌زنی رسانه‌هاست و ایستوود به‌طور رسمی، صحبتی درباره بازنشستگی نکرد. طبق گزارش‌ها، ایستوود در حال حاضر در مرحله پیش‌تولید یک فیلم جدید است که هنوز درباره عنوان، بازیگران یا استودیوی منتشرکننده آن خبری منتشر نشده است اما از آنجا که او خیلی سریع کار می‌کند، هیچ بعید نیست که فیلم تا اواخر سال ۲۰۲۵ به‌نمایش درآید. سال پیش، بارها نقل شد که ایستوود با «داور شماره ۲» ریل پروژه آخری را که بتواند با آن با سر بالا به غروب برود، یافته است و از آن به‌عنوان «آخرین فیلم» ایستوود یاد شد. کلینت ایستوود، زاده (۳۱ مه ۱۹۳۰) در سان‌فرانسیسکو، نه‌تنها یکی از چهره‌های ماندگار سینمای آمریکا بلکه نمادی از خودسازی، خلایقیت مداوم و وفاداری به اصالت هنری است. او فعالیت حرفه‌ای خود را از دهه ۵۰ میلادی آغاز کرد اما در دهه ۶۰ با بازی در سه‌گانه مشهور «سرجیو لئونیه»، «به‌خاطر یک مشت دلار»، «برای چند دلار بیشتر» و «خوب، بد، زشت» به شهرتی جهانی رسید و برای همیشه، تصویر مرد تنها را در حافظه سینما حک کرد.

«کلینت ایستوود» پیش‌تولید فیلم جدیدش را در ۹۵ سالگی شروع کرد. ایستوود (۳۱ ماه می) ۹۵ ساله می‌شود اما قصد ندارد، سرعتش را کم کند. بسیاری انتظار داشتند که «ژوری شماره ۲» فیلمی که سال پیش توسط این کارگردان ساخته شد، پایان کار او باشد اما همان‌زمان هم شنیده می‌شد که او دارد روی پروژه‌ای پرشور کار می‌کند و حتی از مدتی پیش، گفته می‌شد که بازیگران آن هم مشخص شده‌اند.

ایستوود حالا در مصاحبه با یک رسانه اتریشی تأیید کرده است که قصد ندارد، متوقف شود و گفته است: «دلیلی ندارم که آدم با افزایش سن بهتر نشود. او افزوده که هنوز انرژی و تجربه لازم برای ادامه کار را دارد. هستند افرادی که با رسیدن به یک سن خاص، دست از کار خود می‌کشند اما من یکی از آنها نیستم». این بازیگر که تولد ۹۵ سالگی‌اش را جشن گرفت، در مصاحبه‌ای با «رویتز» باصراحت گفت: «عصر بازسازی‌ها و دنباله‌سازی‌ها است. من فقط سه‌بار دنباله‌سازی کردم و سال‌هاست که علاقه‌ام را به این مسیر از دست داده‌ام. فلسفه من برای زندگی و کار هنری بسیار ساده است، اگر قرار نیست چیزی تازه بسازی در خانه بمان و کاری نکن». این بازیگر که جشن تولد خود را کنار دوستان و نزدیکانش جشن می‌گیرد، تأکید کرد که همچنان در وضعیت جسمی خوبی به‌سر می‌برد و قصد دارد به کار ادامه دهد. آخرین اثر او، درام حقوقی «هیأت‌منصفه شماره ۲» سال گذشته در آمریکا اکران شد و هم‌اکنون نیز در مرحله پیش‌تولید پروژه‌ای تازه قرار دارد. با این همه، او همچنان خود را در حال آموختن می‌بیند. او در این رابطه می‌گوید: «هیچ دلیلی وجود ندارد که انسان با افزایش سن، بهتر نشود. تجربه‌های بیشتری دارم، البته کارگردان‌هایی هم هستند که با بالا رفتن سن، از دست می‌روند. من می‌خواهم هر روز، بهتر از دیروز باشم و سن در این رابطه مهم نیست». او در این گفت‌وگو، از روزگاری یاد کرد که فیلم‌نامه‌هایی چون «کازابلانکا» در کلبه‌های کوچک استودیوها نوشته می‌شدند و هر نویسنده‌ای، ایده‌ای تازه داشت. او می‌گوید همان جا بود که ریشه‌های نگاه متفاوت هنری پرایش شکل گرفت: «در آن دوران، من هنوز بازیگر جوانی بودم



گالری امیال بشری

محسن فرجی

نشر خزه

صفحه ۱۲۸

۱۵۰ هزار تومان

معجزه‌وار به زندگی باز می‌گردد. پایان‌بندی این داستان هم بر مبنای همین الگو، با تعالی و تصفیۀ روحی یکی از قهرمانان قصه، شکل گرفته است. به این صورت که مرد داستان، پس از رسیدن به آستارا و دیدار با پیرمردی در دریا، بر ترس‌ها و اضطراب‌هایش غلبه می‌کند و اصطلاحاً پوست می‌اندازد. این دیدار او و پیرمرد در دریا که خود را در آب می‌شویند، به نوعی یادآور غسل تعمید هم هست و مرد پس از گذراندن این آیین، پاکیزه و بی‌آلایش از دریا بیرون می‌آید. اساساً یکی از رویکردهای مجموعه‌داستان «گالری امیال بشری» همین بهره‌گیری از کهن‌الگوها و ریشه‌های فرهنگی است.

محسن فرجی فعالیت نویسندگی خود را با نوشتن داستان کوتاه در دهه ۷۰ آغاز کرد. اولین مجموعه‌داستان او با عنوان «بازده دعای بی‌استجابت» در سال ۱۳۷۹ توسط نشر ماریه منتشر شد. دومین مجموعه‌داستان او با عنوان «چوب خط» در سال ۱۳۸۵ توسط نشر قطره منتشر شد و مورد استقبال منتقدان و خوانندگان قرار گرفت. سومین مجموعه‌داستانش هم با عنوان «جغرافیای اموات» در سال ۱۳۹۵ توسط نشر آموث منتشر شد. فرجی مقالات و نقدهای متعددی در نشریات ادبی منتشر کرده است. او به خاطر داستان‌های کوتاه قوی و تأثیرگذارش به عنوان یکی از بهترین داستان‌نویسان ایرانی معاصر شناخته می‌شود.



ساخته بودیم. بخش‌هایی از روایت، از صداقت افتاد. صحنه‌هایی که باید دیده می‌شد، حذف شد، محو شد و بی‌صدا شد.... حتی آن‌گاه که اراده کردیم تا میان شهر، از قاب بیلبوردها و تابلوها با شما سخن بگوییم، درهای تبلیغات محیطی را نیز روی «سووشون» بستند.... من از سکوت خسته‌ام. از بی‌اعتنایی نهادهای مسئول به شان هنر و هنرمند، دل‌گیرم. این شیوه برخورد با آثار فرهنگی، یعنی رسمیت دادن به ترس از تفکر. یعنی پاداش دادن به بی‌خطر بودن، و تنبیه کردن صدای مستقل. ما برای «سووشون» خون دل خوردیم. اما امروز، در برابر این حذف بی‌رحمانه، سکوت نخواهیم کرد. هنر، تریبون قدرت نیست که با اشاره‌ای خاموش شود. ما فرزندان این خاک هستیم و از دل همین مردم برخاسته‌ایم. حق ما نیست که پس از سال‌ها زحمت، به این شکل، تحقیر و حذف شویم. سووشون را متوقف کردید اما این صدا، خاموش نمی‌شود.»

چند ساعت بعد، در پی اعتراض آبیار، معاون کاربران و تنظیم‌گری اجتماعی ساترا اعلام کرد، این سریال هیچ‌گاه مجوز این نهاد را برای فیلم‌نامه و تولید دریافت نکرده است؛ او تأکید کرد: «با توجه به اسناد متعدد موجود، مجموعه «سووشون» هرگز تأییدیه فیلم‌نامه و مجوز تولید را دریافت نکرده است. ساترا برخلاف روال معمول و به‌منظور همکاری با سکوی تولیدکننده این مجموعه همچنین پیگیری‌های مکرر سازندگان، ضوابط قانونی را یادآوری کرده است که متأسفانه با بی‌توجهی، عدم اصلاح و انلاف وقت روبه‌رو شد.»

معاون کاربران و تنظیم‌گری توضیح داد: «روند بررسی مجموعه «سووشون» با وجود بی‌اعتنایی مکرر سازندگان اثر به اصلاحات در کمترین زمان ممکن انجام شد. با توجه به ادعاهای خلاف واقع مطرح شده در بیانیه تولیدکنندگان «سووشون»، ساترا پیگیری حقوقی و قضایی را با ارائه اسناد معتبر آغاز کرده است.»

حال با این شرایط، معلوم نیست چه سر نماوا و «سووشون» خواهد آمد. آنچه که از حالا می‌توان پیش‌بینی کرد، این است که بدون تردید، نماوا با گذشت چند روز، دوباره در دسترس قرار خواهد گرفت چرا که مسودیت یک پلتفرم با تعداد زیادی مشترک در مدت‌زمان طولانی ممکن نخواهد بود اما آن‌طور که از اوضاع برمی‌آید، قصه «سووشون» سر دراز دارد و ممکن است به این زودی‌ها پایان نیابد.

غیرقانونی و بدون هیچ مزاحمتی در دسترس است... مسودسازی دامنه، به‌جای حذف لینک خاص، نه‌تنها به کسب‌وکارهای بومی آسیب می‌زند بلکه اعتماد کاربران را سلب و مسیر رشد بازار غیررسمی و قاچاق محتوا را هموار می‌کند. این تصمیمات شتاب‌زده، به‌جای حل مساله، صورت‌مساله را پاک می‌کنند و در بلندمدت، فضای فرهنگی و اقتصادی کشور را با چالش جدی مواجه می‌سازند.»

در ادامه این ماجراها بود که «ترگس آبیار»، یادداشتی را منتشر کرد و با نام بردن از ساترا که عامل توقیف سووشون شده است، به طرح این پرسش‌ها پرداخت که «چگونه ممکن است سریالی که بر اساس رمانی فاخر از سیمین دانشور، نویسنده‌ای پیشرو، ملی و جهانی، ساخته شده و بارها و بارها، در نیم‌قرن گذشته در همین کشور تجدیدچاپ شده و تمام مراحل قانونی را طی کرده است، تنها چند ساعت پس از انتشار نخستین قسمت با دستوری ناگهانی و مبهم، متوقف و سکوی پخشش فیلتر شود؟ چه کسی پاسخگوی این حجم از توهین به شعور مخاطب، بی‌احترامی به تلاش هنرمندان و تخریب سرمایه اجتماعی هنر این سرزمین خواهد بود؟ سووشون نه یک سریال معمولی بلکه روایت یک تاریخ بود. صدای یک زن میان‌هیاهوی مردانه قدرت. روایت مقاومت، درد و ایستادگی.»

آبیار همچنین در نوشته‌اش تأکید کرده است: «ما برای ساخت این اثر با دقت، وسواس و احترام به خطوط قرمز رسمی کشور، پیش رفتیم اما آنچه دیدیم، بی‌قانونی در پوشش قانون و حذف در سایه ترس از صداهای مستقل بود. ما نه خلافی کرده‌ایم، نه قانون‌شکنی. این رفتارها نه توجیه‌پذیر هستند، نه قابل سکوت. چه نهادی، با چه مجوزی، در چه فرآیندی، اجازه می‌دهد به این شکل، حیثیت یک اثر فرهنگی و زحمات ده‌ها انسان شرافتمند، زیر پا گذاشته شود؟ ساترا که مدعی نظم‌بخشی به فضای نمایش خانگی است، چرا به‌جای حمایت، تبدیل به ابزاری برای انسداد و محدودسازی هنر شده است؟ آیا قرار است هر هنرمندی که صدای متفاوت دارد، با تهدید و توقیف حذف شود؟»

او در ادامه تأکید کرد که «سووشون نیامده، به‌دلیل بازی‌های پیچیده و پنهان ساترا توقیف شد. بماند که آنچه در قسمت اول به نمایش درآمده، به‌دلیل ممیزی آشکار، آن‌چیزی نبود که ما با تمام وجود



شناسه آگهی: ۱۹۴۱۹۱۷

آگهی مناقصه عمومی مرحله دوم



شهرداری بندر ماهشهر

شهرداری بندرماهشهر به استناد موافقت نامه شماره ۴۰۴۰۱/۳۰ شش مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ شورای اسلامی شهر، درنظر دارد عملیات تکمیل ساختمان فرهنگسرا شهرک آیت ا... طالقانی بندر ماهشهر به مساحت تقریبی ۱۰۲۲ متر مربع، را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجدالشرایط واگذار نماید.

۱- اسناد مناقصه در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی Setadiran.ir از مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۱ تا ساعت ۱۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۹ ارائه می‌گردد؛ و پاکت‌ها تا مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۲ ساعت ۱۸:۰۰ بارگذاری شود. بازگشایی پاکت‌ها ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۳ است.

۲- مبلغ برآورد اولیه ۱۳۶۲۹۶۱۳۶۲۹ ریال است که پیشنهاد دهنده باید ۵٪ قیمت پایه معادل ۴۰۷۹۶۸۰۶۸۲ ریال را بعنوان سپرده شرکت در مناقصه به حساب سبیا شماره ۰۱۵۲۹۴۱۶۷۰۰۳ بانک ملی ایران به نام شهرداری بندرماهشهر بصورت نقد یا ضمانتنامه بانکی ضمیمه پیشنهاد خود ارائه نماید.

۳- ارائه پاکت الف به صورت فیزیکی تا قبل از جلسه بازگشایی پاکت‌ها به واحد حراست شهرداری واقع در طبقه اول ساختمان مرکزی شهرداری الزامی است.

۴- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

۵- ارائه رتبه حداقل ۵ اینیه با ظرفیت آزاد از معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور الزامی است.

۶- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن ۰۶۱۵۲۳۳۹۱۱۴ تماس بگیرند.

مجاهد نظارات- شهردار بندر ماهشهر

بهشتی که جا ندارد

براساس اظهارات اعضای شورای شهر تهران، بهشت زهرا با بحران جدی کمبود فضا برای تدفین روبه‌رو شده است

گروه اجتماعی: تهران ایسن روزها با بحران کم‌سابقه‌ای در ظرفیت تدفین مواجه است. «مهدی پیرهادی»، رئیس کمیسیون سلامت، محیط‌زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران تاکید می‌کند که «در حال حاضر، تنها قطعه ۳۲۹ در بهشت‌زهرا برای دفن اموات به‌صورت روزدفن باقی مانده است» و «دیگر امکان ایجاد قطعات جدید در بهشت‌زهرا برای دفن روزانه به دلیل فقدان زمین میسر نیست». بر اساس اعلام او، اگر تا پایان خرداد، تکلیف ایجاد آرامستان جدید مشخص نشود، «از ابتدای پاییز، جایی برای دفن اموات نخواهیم داشت». کارشناسان شهری نیز تاکید می‌کنند که در عمل، تهران به ۱۷۰۰ هکتار اراضی آرامستان نیاز دارد و باید حدود ۶۰۷ میلیون قبر جدید (بیش از چهار برابر ظرفیت فعلی) در پایتخت ساخته شود اما هنوز حتی مجوز اولین گورستان جدید نیز صادر نشده است.

پیش از این، «محمدجواد تاجیک» (مدیرعامل سازمان بهشت‌زهرا) در جلسه شورای شهر خبر داد که ایران «۲۰ سال از موضوع آرامستان‌ها عقب است» و اگر آرامستان جدید نداشته باشیم، «هرو روز ۴۰ نفر از اموات روی زمین خواهند ماند». به گفته او برای پاسخ‌گویی به نیاز ۵۰ سال آینده تهران به حدود ۶۰۷ میلیون قبر نیاز است. این آمار نشان می‌دهد که فشار ناشی از جمعیت در حال مرگ پایتخت به‌سرعت بر ظرفیت محدود بهشت‌زهرا فائق می‌آید.

گزارش شهری

شهرداری تهران پنج محدوده برای آرامستان جدید پیشنهاد داده که ششورا با سه مورد از آنها موافقت کرده است. این سه محل در جنوب‌شرق تهران در نزدیکی «سره‌ا سیمان» (بزرگراه امام رضا)، ابتدای جاده ساوه و منطقه روستای کلاغ‌آیه هستند. نکته مهم این است که «محدوده کلاغ‌آیه فقط برای شرایط بحرانی در نظر گرفته شده و در مواقع عادی، قابلیت استفاده برای دفن اموات در آن وجود ندارد». این محل بحران قرار است تنها در حوادث غیرمترقبه (مانند اپیدمی گسترده یا سوانح بزرگ) فعال شود و دفن روزمره در آن انجام نخواهد شد. پیرهادی همچنین تاکید کرده که هیچ پیشنهاد جدیدی فراتر از این سه محل به شورا ارائه نشده و مجوزی صادر نشده است. کارشناسان می‌گویند؛ احداث یک آرامستان جدید مستلزم برنامه‌ریزی پیچیده فنی و جلب مجوز از نهادهای مختلف است. بر اساس گفته‌های پیرهادی، دریافت مجوزهایی ازجمله شورای ترافیک، سازمان حفاظت محیط‌زیست و استانداری تهران برای این پروژه الزامی است و «ملاحظات ترافیکی، محیط‌زیستی و شهرسازی در انتخاب نهایی لحاظ شده‌اند». همچنین او تاکید کرده است که فرآیند طراحی و آماده‌سازی یک آرامستان جدید تا بهره‌برداری، دست کم ۶ ماه زمان می‌برد چراکه باید زیرساخت‌هایی نظیر نگهبانی، آب‌وبرق و مسیر دسترسی مناسب فراهم شود. از سوی

دیگر، بررسی گسترش‌های اخیر بهشت‌زهرا، نشان می‌دهد که قبور جدید بیشتر سه‌طبقه و با فاصله‌های بسیار اندک ساخته شده‌اند که همین مساله، مشکلاتی را در مراسم خاک‌سپاری ایجاد کرده است. به گفته عضو شورای شهر تهران، «در مورد سه‌طبقه بودن قبور نظری نداریم اما در مورد فاصله قبور حتما باید فاصله رعایت و فاصله‌ها بیشتر شود». به‌عبارت دیگر، تراکم بیش‌ازحد قبور، کیفیت تشییع را تحت‌الشعاع قرار داده است و در طرح‌های جدید باید این نکته به‌دقت لحاظ شود.

تهران با کمبود شدید اراضی بکر و مناسب برای آرامستان روبه‌رو است. پیرهادی تصریح کرده حتی یافتن اراضی ۱۰۰ تا ۲۰۰ هکتاری اطراف پایتخت به‌سختی ممکن است و تملک و بررسی آن‌ها به زمان زیادی نیاز دارد؛ در نتیجه، فراهم کردن یک قطعه قابل‌توجه در خارج از شهر، فرآیندی زمانبر است که کنار سپری شدن مراحل اداری (تامین مالی، اخذ مجوز و مطالعات زیست‌محیطی) نیاز به هماهنگی همه‌جانبه دارد؛ فرآیندی که به‌واسطه اعتراض‌های محلی هم با کندی پیش رفته است.

درمقابل اصرار مدیریت شهری برای جانمایی آرامستان‌های جدید، برخی نمایندگان و مسئولان شهرستان‌های مجاور تهران مقاومت نشان داده‌اند. ناصر امانی، عضو شورای شهر، چندی پیش گفت که



نمایندگان مردم شهرهایی که محدوده پیشنهادی آرامستان‌های جدید به آن‌ها نزدیک است و نیز فرمانداران این شهرها اعتراض کرده‌اند که «نباید آرامستان‌ها در نزدیکی و مجاورت شهرهای آنها قرار گیرند». به گفته او، حتی تصدای از فرمانداری‌ها به‌طور رسمی با این طرح مخالفت کرده‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که پاره‌ای نهادهای محلی با سیاست گسترش آرامستان در حومه تهران موافق نیستند؛ موضوعی که روند اجرایی پروژه‌ها را پیچیده‌تر کرده است.

با توجه به کمبود فزاینده زمین و جمعیت رو به رشد کلان‌شهر، روشن است که فقط گفت‌وگو و لابی‌های اداری کافی نیست؛ مسئولان شهری و کشوری مورد اشاره در مصاحبه‌ها و اظهارات خود بر ضرورت همراهی قوا و تسریع در تامین زمین و مجوزها تاکید کرده‌اند؛ اگرچه «مهدی پیرهادی» هشدار می‌دهد که دست‌کم نیم‌سال برای آماده‌سازی هر آرامستان جدید نیاز است، ساختن چندین آرامستان جدید در نقاط پراکنده تهران تنها راه جلوگیری از قفل شدن نهایی بهشت‌زهرا و گرفتار شدن اموات بر زمین خواهد بود. کارشناسان مستقل نیز هم‌نظر هستند که چاره این بحران در «فوریت اجرایی پروژه‌های جدید آرامستان» و رعایت کامل ملاحظات ترافیکی، زیست‌محیطی و فرهنگی نهفته است. بی‌عملی بیشتر از این می‌تواند، تهران را در آستانه یک بحران اجتماعی و بهداشتی غیرقابل جبران قرار دهد.

میراث فرهنگی

سفر به تاریخ

خزانة جواهرات ملی بازرگشایی شد

خزانة جواهرات ملی از دیروز در ساختمان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تهران برای بازدید عموم بازرگشایی شد. فروش بلیت در روزهای بازدید از ایسن خزانه به صورت حضوری تا ساعت ۱۱:۳۰ ادامه دارد.

همچنین بهای بلیت برای بازدیدکنندگان داخلی ۳۰ هزار تومان، برای دانشجویان و دانش‌آموزان (با ارائه کارت شناسایی) ۱۵ هزار تومان و برای بازدیدکنندگان خارجی ۳۰۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است. علاقه‌مندان می‌توانند در روزهای شنبه تا سه‌شنبه هر هفته به‌استثنای روزهای تعطیل از ساعت ۱۰ تا ۱۲ از این مجموعه بازدید کنند.

خزانة جواهرات ملی در تهران، میدان امام خمینی (ره)، خیابان فردوسی، نرسیده به چهارراه استانبول، نش کوجه بانک مرکزی، ساختمان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واقع شده و این خزانه روزهای چهارشنبه تا جمعه و تعطیلات رسمی تعطیل است.

آگهی اختصاصی موضوع قانون

تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳

و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادر هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض شهرداری گرگان به شماره شناسنامه ۱۹۷۵۲۹۱۱۴۰۰ و کلاسه پرونده ۱۴۷۱۰۰۱۲۴۸۱۱۴۴۱۴۳۱ در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۴۰۷/۲۴ متر مربع از پلاک ۱۸۰۵ فرعی از پلاک ۲۶۸ – اصلی از اصلی مذکور واقع در اراضی مزاد اوزینه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان از سهمی سید نصراله قدس مفیدی لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

شناسه آگهی ۱۹۳۶۸۷۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

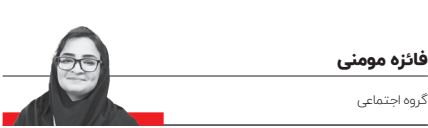
مهدی شاه مهری – کفیل اداره ثبت اسناد و املاک

منطقه دو گرگان

از طرف محمد قنדרسکی

دستور توقف فروش اینترنتی دارو

سازندگی دوگانه ممنوعیت یا فروش اینترنتی دارو را بررسی می‌کند



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

روز گذشته، دفتر رئیس جمهور ایران با صدور بخشنامه‌ای به وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام کرد، اجرای طرح فروش اینترنتی دارو تا روشن شدن وضعیت نهایی و هماهنگی کامل با وزارت بهداشت متوقف شود. در این نامه که به دنبال درخواست (محمود فاضل)، رئیس شورای عالی نظام پزشکی از «مسعود پزشکیان» صادر شد، تاکید شده است «هماهنگی لازم با وزیر بهداشت در تمامی موارد به‌عمل آید و در مسائل مربوط، بدون در نظر گرفتن چارچوب‌های وزارت بهداشت، هیچ‌گونه مجوز اقدامی صادر نشود»؛ به‌عبارت دیگر، دولت فعلا اجازه نمی‌دهد هیچ پلتفرم با شرکت اینترنتی به‌طور مستقل، طرح فروش دارو را اجرا کند، مگر اینکه ابتدا با وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو سازگار شود. این دستور به‌دنبال چند هفته تنش میان فعالان فناوری سلامت و مسئولان بهداشتی صادر شده است. پیش از آن، سازمان غذا و دارو با صدور بخشنامه‌ای به تمام معاونت‌های دارویی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، اعلام کرد «ممنوعیت همکاری همه داروخانه‌ها با سکو‌ها و پلتفرم‌های اینترنتی در زمینه فروش دارو» تا زمان ابلاغ ضوابط جدید برقرار است؛ به‌عبارت دیگر تا تصویب آیین‌نامه جدید، داروخانه‌ها حق ندارند به‌صورت مستقل با سامانه‌های اینترنتی نسخه‌پیچی و ارسال دارو همکاری کنند. مسئولان این سازمان، دلیل این اقدام را نگرانی درباره فروش خارج از ضوابط و مشکلات احتمالی ایمنی دارو عنوان کرده‌اند؛ از سوی دیگر، فعالان کسب‌وکارهای الکترونیک حوزه سلامت و برخی نمایندگان مجلس، این ممنوعیت را «ضدقانون» و ضربه‌ای به شفافیت اقتصادی دانسته‌اند.

واکنش قانون‌گذاران و معترضان

با این حال، در چند روز گذشته، اعمال محدودیت‌ها با واکنش تند نهادهای ناظر و قانون‌گذاران مواجه شده است. «نصرالله پژمان‌فر»، رئیس کمیسیون اصل «۹۰» مجلس در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کرد، بخشنامه سازمان غذا و دارو مبنی بر قطع همکاری داروخانه‌ها با پلتفرم‌ها، «خلاف قانون» و «غیرقابل‌قبول» است. او تاکید کرد کمیسیون متبوعش، موضوع را پیگیری کرده و به وزیر بهداشت و سازمان غذا و دارو هشدار داده است. این نماینده مجلس همچنین از قوه قضاییه و هیات مقررات‌زدایی خواسته است، وارد شوند چراکه مطابق مصوبه هیات مقررات‌زدایی مصوب شهریور ۱۴۰۲ و حکم قطعی دیوان عدالت اداری، تمامی پلتفرم‌های اینترنتی دارای مجوز می‌توانند به‌طور مستقیم از داروخانه‌های مجاز به مصرف‌کنندگان، خدمات ارائه دهند و نیازی به مجوز جدید نیست. به بیان دیگر از نظر این مراجع قانونی، ممانعت سازمان غذا و دارو از ارائه خدمات دارویی اینترنتی به‌گونه‌ای که اکنون

صورت گرفته است با مقررات بالادستی مغایرت دارد. اتاق‌های فکر فناوری و تجارت الکترونیک نیز به این کارزار پیوسته‌اند. انجمن تجارت الکترونیک و سازمان نظام صنفی رایانه‌ای، انتشار بخشنامه توقف فروش آنلاین دارو را «ضربه به شفافیت» و «الطعات جبران‌ناپذیر به رشد کسب‌وکارهای سلامت دیجیتال» عنوان کردند. کمیسیون سلامت دیجیتال انجمن تجارت الکترونیک نیز در نامه‌ای به سازمان غذا و دارو نوشت که اشکالات طرح ارائه شده، نادرست است و بخش عمده‌ای از نقد داروسازان متأثر از منافع «بخش کوچکی از ذی‌نفعان فعلی بازار دارو» است که از تحول در بازار بیم دارند. مصطفی قانعی دبیر ستاد زیست فناوری سلامت معاونت علمی نیز به تجربه جهانی پلتفرم‌های دارویی اشاره کرده و یادآور شده که ایران نیز درصدد تدوین ضوابط شفاف برای تسهیل دسترسی به دارو از طریق اینترنت است.

دغدغه‌های سلامت و نظارتی

در طرف مقابل، مسئولان نظام سلامت و جامعه داروسازان بر لزوم رعایت ملاحظات سخت‌گیرانه بهداشتی و امنیت داده‌های بیماران تاکید می‌کنند. «مهدی پیرصالحی»، رئیس سازمان غذا و دارو، بارها اعلام کرده که فروش اینترنتی دارو به‌طور کلی، ممنوع نیست اما نمی‌تواند بدون ضابطه و نظارت اداره شود. او توضیح داده است که فعالیت پلتفرم‌ها تنها با اتصال به سامانه‌های واسط تحت نظارت این سازمان مجاز خواهد بود؛ در این ساختار، اطلاعات بیماران نزد داروخانه‌ها محفوظ می‌ماند و مردم می‌توانند، داروخانه مورد نظر خود را انتخاب کنند. به گفته او، نمونه‌هایی از تخلف برخی سکو‌ها (فروش دارویی غیرمجاز، قیمت‌گذاری خودسرانه و...) مشاهده شده که ضرورت تدوین ضوابط دقیق را دوچندان کرده است. سازمان غذا و دارو نیز با تاکید بر تامین پایدار داروهای ضروری و برنامه‌ریزی برای جلوگیری از کمبود اعلام کرده که هیچ‌گونه خللی در تامین دارو وجود ندارد و هدف اصلی، «تسهیل دسترسی آسان و ایمن مردم به دارو» است. رئیس انجمن داروسازان ایران نیز به نگرانی داروسازان از احتمال انحصارگری پلتفرم‌های آنلاین اشاره کرده است؛ «شهرام کلانتری» اعلام کرده است که بیشتر پلتفرم‌ها خواهان حذف نظارت پیشگیرانه هستند و تلاش می‌کنند با عقد قرارداد مستقیم با داروخانه‌ها، کنترل فرآیند نسخه‌پیچی و داده‌های بیماران را به‌دست گیرند؛ او هشدار داده که این شرکت‌ها در برخی قراردادها تا ۱۵ درصد مبلغ هر نسخه را به‌عنوان کمیسیون برمی‌دارند؛ حال آنکه سود خالص داروخانه‌ها کمتر از ۵ درصد است. از دید این گروه، زیرساخت نظارتی موجود (سامانه متمرکز داروسفارشی سازمان غذا و دارو) باید به‌گونه‌ای فعال باشد که داروخانه‌ها بدون اجازه مستقیم با پلتفرم‌ها همکاری نکنند تا «دارو و اطلاعات بیماران در امنیت» حفظ شوند. از سوی دیگر، شماری از نمایندگان مجلس و کارشناسان حوزه سلامت به‌خاطر حساسیت ماهیت دارو، مخالف سرعت عمل در اجرای طرح‌های اینترنتی هستند؛ برای نمونه، «سیدمحمد جمالیان» (نماینده اراک) در

مصاحبه با «ایسنا» گفته است که دارو، کالایی سلامت‌محور است که در فرآیند توزیع و عرضه نباید با کالاهای مصرفی دیگر مقایسه شود. توزیع شتاب‌زده دارو در فضای مجازی می‌تواند «تهدیدی جدی برای سلامت مردم» ایجاد کند.

دوگانه ملاحظات اقتصادی

هرچند دسترسی سریع و آسان به دارو برای بیماران، به‌ویژه در شرایط تحریم و افزایش بی‌دری قیمت‌ها، از اولویت‌هاست اما موافقان ممنوعیت معتقدند این نیاز را باید با تضمین سلامت و نظارت کامل تامین کرد. با افزایش سهم پرداختی مردم در هزینه دارو (عضو هیات‌مدیره انجمن داروسازان می‌گوید، سهم بیمار در داروهای سرپایی به بیش از ۵۰ درصد رسیده است) حساسیت به کیفیت توزیع بسیار افزایش یافته است. در همین حال، طرفداران فضای کسب‌وکار آنلاین هشدار می‌دهند که محدودسازی قهرآمیز خدمات مبتنی بر پلتفرم، افزون بر اینکه به نابودی استارت‌آپ‌های جوان می‌انجامد، دسترسی بیماران را تخفیف‌های احتمالی و حق انتخاب را نیز محدود خواهد کرد. مساله انحصارطلبی هم بین این دو دیدگاه محل مناقشه است؛ برخی فعالان فناوری، اقدام نظارتی شدید را «تلاش برای انحصارطلبی» می‌دانند که توسعه نهادهای جدید در زنجیره دارویی را سد می‌کند؛ در مقابل، جامعه دارویی معتقد است کنترل این فضا و جلوگیری از سودجویی برای حفظ انسجام نظام سلامت لازم است. تا زمان تدوین ضوابط شفاف و قابل اجرا، زمینه مناسب برای مصالحه و توافق بین این منافع متعارض فراهم نشده است. اما درنهایت پاسخ به این پرسش که «آیا ممنوعیت موقت فروش اینترنتی دارو اقدام درستی بوده یا خیر» چندوجهی است؛ از منظر سلامت عمومی و حاکمیت قانون، بسیاری از موافقان محدودیت معتقدند که کنترل و نظارت کامل بر زنجیره دارویی، ضروری است و هرگونه مسیر غیرشفاف می‌تواند، خدمات جبران‌ناپذیری به بیماران وارد کند اما مخالفان استدلال می‌کنند که ممنوعیت مطلق فقط مشکلات را به آینده موکول می‌کند و در عمل موجب شکل‌گیری بسترهای غیررسمی و انحصارهای جدید خواهد شد. به باور کارشناسان اقتصادی و فناوری، رامحل منطقی در میانه این دو نظر است: تدوین سریع و دقیق آیین‌نامه‌های فروش آنلاین دارو با همکاری همه ذی‌نفعان. بر اساس برنامه اعلام شده سازمان غذا و دارو پیادمسازی نهایی این سازوکار جدید از سال آینده آغاز خواهد شد و قرار است «تسهیل دسترسی بیماران به دارو» و «شفافیت زنجیره تامین» را هم‌زمان بهبود ببخشد. درنهایت، اگرچه ضرورت حفاظت از سلامت مردم خط قرمز است اما تجربه جهانی، نشان می‌دهد با تنظیم مقررات هوشمند می‌توان خدمات نوین را کنار حاکمیت قانون به‌کار گرفت؛ مسیری که هم منافع اقتصادی و نواوری را تامین کند، هم حریم ایمنی و اطلاعات بیماران را حفظ کند. این تعادل هوشمندانه است که تعیین می‌کند آیا این تصمیم در عمل، کارآمد خواهد بود یا تنها تا زمان انتشار ضوابط به مواع ساختگی منتهی خواهد شد.

